

مکتب امنیتی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۰

کاوه امیرخانی*

چکیده

مطالعات امنیتی پیشینه‌ای دیرینه دارد و مکاتب گوناگونی در این حوزه خودنمایی می‌کنند، اما به رغم وجود مبانی و بسترهای ناب در متون اسلامی و با گذشت قریب به سه دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران، تا کنون اقدامات و تلاش‌های متمرکز و هدفمند اندکی در جهت نظریه‌پردازی امنیتی با ابتنای بر اندیشه‌های بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است.

در این مقاله سعی داریم با ارائه تعاریف و مفهوم‌شناسی امنیت در اسلام، به واکاوی در اندیشه‌های ژرف امام خمینی (ره) بپردازیم. نظریه امام در امنیت، بر خلاف سایر نظریات و مکاتب امنیتی، به صورت مجموعه‌ای است به هم پیوسته که از رویکرد خطی و پوزیتیویستی به امنیت پرهیز دارد. در این نظریه، امنیت به صورت بسته سیال و منعطف و گاهی بسیار سخت و مقاوم مطرح می‌شود. این تفاوت‌ها در نسبت‌سنجی موضوعات با کانون و مرجع امنیتی شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، امام خمینی، موضوع امنیت، مرجع امنیت، اهداف و سیاست‌های امنیتی

* دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال چهاردهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۹۰ • شماره مسلسل ۵۴

مقدمه

ناکارآمدی مکاتب سستی در مطالعات امنیتی، اعم از لیبرال و رئال و نیز مکاتب به اصطلاح مدرن مبتنی بر معرفت‌شناسی پوزیتیویستی، نظیر نولیبرالیسم و نئورئالیسم، بر کسی پوشیده نیست؛ چه اگر این نبود، رشته سیاست بین‌الملل، روابط بین‌الملل و امنیت بین‌الملل، از آشفتگی و سرگردانی عمیقی که امروز گریبان‌گیر آن است، در رنج نبود. رویکردهای سستی و مدرن به امنیت، با اشاره به مسأله کانونی بقای دولت به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین هدف دولت‌ها (عسگرخانی، ۱۳۸۳)، نیروی نظامی را به عنوان مهمترین و مؤثرترین عامل در حفظ، کنترل و بقای دولت و نیز محور تهدیدات و مسائل امنیتی برشمردند و از این رو، بیش از هر چیز بر تحلیل دولت‌محور، نقش نیروی نظامی و اهمیت تهدیدات نظامی، به عنوان تهدیدات استراتژیک تمرکز نمودند.

در چنین رویکردهایی، تکلیف دولت‌ها مشخص است، چرا که چاره‌ای جز توجه بیشتر به افزایش قدرت نظامی در جهت ایجاد موازنه و کاهش تهدیدات (Waltz, 1979)، حداکثرسازی قدرت تهاجمی (Mearsheimer, 2001) و یا گسترش سرزمینی ندارند. اگرچه این رویکردها برای چند دهه توانسته بودند در مطالعات نظری و امنیتی غالب شوند، اما تهدیدات جدید به وضوح ناکارآمدی آنها را در پاسخ‌گویی به نیازهای امنیتی جوامع آشکار نمود.

مسأله این پژوهش، فقدان مکتب امنیتی سازگار و مرتبط با ماهیت، مصالح و منافع ذاتی نوع بشر (فردی و اجتماعی) است که به دغدغه و چالش هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی فراروی پژوهش‌گران، تصمیم‌سازان و سیاست‌گزاران عرصه امنیت در جوامع اسلامی تبدیل شده است. مکاتب موجود، از یک سو، به واسطه رویکرد پوزیتیویستی، نگاهی تک‌بعدی و تک‌ساحتی به انسان دارند که با اصالت و هویت ذاتی او تعارض دارد و از سوی دیگر، مکتبی مدون و مبتنی بر واقعیت انسانی با هدف تأمین امنیت پایدار، تکامل‌بخش و زمینه‌ساز دستیابی انسان به مراتب ربوبی و خلیفه الهی (عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی)، ارایه نشده است. این پژوهش، سعی دارد به عنوان مبحث آغازین، این مکتب امنیتی را با استناد به مبانی قرآنی، روایی و اندیشه‌های متعالی امام خمینی (ره) ارایه نماید تا با نقد و اصلاح آن از سوی اندیشمندان بتواند بستر و زمینه‌های علمی و پژوهشی موضوع را فراهم سازد تا در نهایت، به مکتب جامع امنیتی اسلام تبدیل شود.

بنابراین، سؤال اصلی مقاله این است که در مواجهه با ناامنی‌ها و به ویژه، احساس ناامنی گسترده‌ای که بشر امروز با آن روبروست، چه رویکردی به امنیت می‌تواند رافع این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها باشد و به عبارت دیگر، در پاسخ به بن‌بست تئوری‌های امنیتی، آیا گفتمان، رویکرد یا مکتب دیگری وجود دارد که بتوان با اتکا به مفاهیم و مقولات بنیادین آن، چارچوبی جدید برای امنیت ارائه نمود؟

فرضیه مقاله این است که مبانی، روش و رویکرد امام خمینی به انسان، در شکل مکتب امنیتی، ظرفیت و قابلیت لازم برای پاسخ‌گویی به مشکلات امنیتی جوامع و انسان‌ها را دارد. چون تمرکز این مقاله بر مرور نگرش امام به مقوله امنیت است، سعی شده است با استفاده از روش تحلیل محتوا و به ویژه، بازخوانی دیدگاه‌های امام نسبت به امنیت و مفاهیم هم‌پیوند با آن و توجه به روش تحقیقی حضرت امام (که می‌تواند برهانی، عرفانی و قرآنی باشد)، برخی از مقولات و محورهای مهم مورد توجه پیرامون امنیت شناسایی و همراه با ذکر مستندات موجود از بیانات، سخنرانی‌ها، نامه‌ها و اطلاعیه‌های امام، مورد تحلیل قرار گیرد.

الف. چارچوب نظری تحقیق

هر مکتبی از زاویه و نظام معنایی خاص خود به پدیده‌های ذهنی یا ذهنی - عینی، معنا می‌بخشد. از همین روست که ما با ادیان، مذاهب، مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف سروکار داریم. مفهوم امنیت نزد هر نظریه‌پرداز یا مکتبی، برآیند فهم آنها از عناصر زیر است:

۱. ارزش‌های حیاتی و فلسفه آفرینش؛

۲. آگاهی از داشته‌ها و محرومیت‌ها؛

۳. آگاهی از تهدیدات و نقاط ضعف؛

۴. آگاهی از فرصت‌ها و نقاط قوت (لکزایی، ۱۳۸۵).

در تعاریفی که از امنیت ارائه می‌شود، یکی از معیارهای اساسی، حفظ و ایمنی ارزش‌های اساسی و حیاتی مورد قبول جامعه است. یعنی در هر نگرشی به امنیت، مسأله ارزش‌های حیاتی مطرح می‌شود. انسان با توجه به ارزش‌های موجود در زندگی خود و امکان تهدید یا تأمین آنها، موضع خود را نسبت به پدیده‌ها مشخص می‌کند. امنیت در معنای عینی، فقدان تهدیدها علیه ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌سازد (Wolfers, 1962: 150).

مکاتب امنیتی، با ارائه تعریفی از امنیت و ناامنی، خود را معرفی می‌کنند و چند متغیر یا عنصر مرکزی و پیرامونی در آنها وجود دارد که کم و زیاد شدن یا جابه‌جایی این عناصر در مکاتب مختلف، متفاوت است. مکتب امنیتی سعی دارد از یک سو، با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی خاص خود، چستی، چرایی و برای چه کسی یا چه چیزی بودن امنیت را تبیین نماید و از سوی دیگر، عوامل مخل، تهدیدها، آسیب‌ها و چالش‌های امنیتی را معرفی کند. در پاسخ‌گویی به نکات مزبور، هر مکتبی می‌بایست مواضع و دیدگاه خود در مورد برخی مقولات کلیدی امنیت همانند مرجع امنیت، موضوع امنیت، سطح تحلیل امنیتی، اهداف امنیتی، مسئولیت‌های امنیتی، مرزهای امنیتی، مزایای امنیتی، تهدیدها و آسیب‌های امنیتی را تبیین نماید. برای مثال، در مکتب رئالیسم، امنیت اصل ثابت و تشکیک‌ناپذیر بوده و در مکتب لیبرالیسم، آزادی نقش بنیادی دارد. امنیت در مکتب رئالیسم از مسیر جنگ و در مکتب لیبرالیسم، از بستر صلح تأمین می‌گردد. ایده مضیق امنیتی در مکتب رئالیسم، جایگاه موسعی در مکتب کپنهاک می‌یابد.

با عنایت به موارد مزبور، این مقاله بر آن است تا دیدگاه‌ها و نظرات حضرت امام پیرامون مقولات مزبور را در قالب مکتب فکری مشخص ارائه نماید و در ارئه چارچوب نظری نیز خود را مقید به استخراج نظریه از متون قرآنی، روایی و فرمایشات امام می‌داند. بنابراین، از ارجاع نظری و علمی آن به مکاتب مادی و غربی پرهیز می‌کند.

در این مکتب امنیتی، برای مفهوم «امن» معانی متعددی در قرآن آمده است که از آن جمله می‌توان از عدم خوف، تصدیق، طمأنینه، عدم خیانت و پناه‌دادن نام برد. وجوه مفهوم عام امنیت در قرآن عبارتند از:

- الف. امنیت گویای سنتی الهی و نعمتی است که مردم بدان آزموده می‌شوند.
- ب. امنیت حالتی آگاهانه دارد و اطمینان و عدم توقع ناگواری در آینده، در آن نهفته است.
- ج. طبیعت امنیت به عنوان احساس یا درک، مستلزم موجود زنده - انسان یا غیرانسان - است و از این رو، اسلام تأکید دارد بر اینکه زندگی انسان و موجودات زنده دیگر که به تسخیر خدمت و منفعت انسان درآمده‌اند، در پوشش امنیت قرار گیرد.
- د. همان‌گونه که امنیت هیچ‌گاه از زمان - حال و آینده - جدا نمی‌شود، از مکان نیز جدا نمی‌گردد و برای درک اهمیت اعتبار مکان، به عنوان عاملی اساسی در امنیت، باید به تفسیر علت اعطای صفت «امن» به برخی اماکن مقدس که خدا آن را حرم امن یا سرزمین امن نام نهاده است، توجه کنیم.

ه. عدم خیانت: یکی از صریح‌ترین معانی واژه «امن» است. خداوند در سوره نساء در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نسا: ۵۸)؛
و. پناه‌دادن. چنانکه در قرآن آمده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (لک‌زایی، ۱۳۸۵).

مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در گفتمان امنیتی امام، برگرفته از آیات قرآنی و روایات منقول از معصومین علیهم السلام است. بنابراین، موضوع به صورت توامان تبیین می‌گردد تا از مبانی متافیزیک مؤثر بر اندیشه‌های امام، دریافت مناسبی داشته باشیم.

امام خمینی، بنا بر آیات الهی قرآن مبنی بر اسوه و الگو بودن پیامبر اسلام (ص)، تمام تلاش و همت خود را در پیروی از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله مبذول می‌کند و در نقد و رد دیدگاه‌های بسیاری از افراد و حتی روحانیون متحجر، بیش از همه به سیره عملی پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) ارجاع می‌دهد. در سیره امنیتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، منشأ اصلی تهدید امنیت انسان و جامعه انسانی، درونی است. از این رو، در بحث امنیت فردی، «موانع درونی کمال» و به تعبیر دیگر «ظلم به خود»، جزء تهدیدها به حساب می‌آید و در حوزه جهانی، استبداد، استکبار و در یک کلام، «ظلم به دیگران» تهدید می‌باشد. فرمایش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، در خصوص جهاد اکبر و اصغر نیز اشاره به چنین مضمونی است. اهم اصولی که در تأمین امنیت مورد توجه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بوده است، عبارتند از صلح‌طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان، مبارزه جنگ‌افروزان و فتنه‌انگیزان، پرهیز از استبداد و اجبار، ظلم‌ستیزی، پای‌بندی به پیمان و برخورد با پیمان‌شکنان، پای‌بندی به قوانین الهی، درآمیختن نرمش و قاطعیت، برقراری عدل و قسط و انفاق و رسیدگی به فقرا و محرومان.

از دیدگاه اسلام، جهان عرصه نبرد ولایت الهی با ولایت طاغوت است. عرصه نبرد عدل و حق با ظلم و باطل است. بنابراین، امنیت مطمع نظر اسلام در پرتو گستره نور امنیت اسلام و تعدیل و حذف ولایت طاغوت از جامعه انسانی است. قرآن کریم در ترسیم این دو جریان، می‌فرماید: الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت ینخرجونهم من النور الی

۱. خدا به شما دستور داده است امانت را به اهلس بازگردانید و در امانت خیانت نکنید و در سنت شریف «امن» و «خیانت» دو طرف نقیض هستند.

۲. در این آیه، کلمه «امن» یعنی مفهوم «جاره» پناه‌دادن به کار رفته است.

الظلمات ... خداوند، سرپرست و صاحب اختیار کسانی است که ایمان آورده‌اند و ایشان را از تاریکی‌ها بیرون برده، به سوی نور هدایت می‌کند و در مقابل، کسانی که کافر شدند، افراد سرکش، سرپرستی و اختیار آنان را به دست می‌گیرند، آنها را از نور به سوی تاریکی می‌کشاند...».

بر این اساس، دو نظام به طور مستمر در حوزه‌های مختلف با هم درگیر و در حال نزاع خواهند بود. امام خمینی (ره) با اتکا و تمسک به چنین آیاتی است که می‌فرماید: «تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفتد، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۴۸) و از همین روست که با هشدار همیشگی به ملت ایران و مسلمانان و مستضعفین جهان بر پافشاری جبهه مقابل به مبارزه تا به زیرکشیدن تمامی شئون هویتی که در پیوند مستقیم با امنیت هستند، تأکید می‌کردند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت‌ها و ارزش‌های معنوی الهیمان نمی‌شناسند. به گفتهٔ قرآن کریم هرگز دست از مقابله و ستیز با شما بر نمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دیتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبیمان را لکه‌دار نمایند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۰).

بنابراین، مبارزه و تنازع از طرف دو نظام کفر و ایمان تا مرز حذف و نابودی طرف مقابل و انقیاد کامل او ادامه دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و یكون الدین لله...» با کافران نبرد کنید تا دیگر در زمین فتنة نشود و دین بشریت تنها از خدا باشد (بقره: ۱۹۳). از همین روست که امام خمینی، اعلان انزجار صرف و نظری از مستکبرین و ظالم را نازل‌ترین مرحله نهی از منکر برمی‌شمرد و بر مبارزه عملی با تأسی از اسلام و تبعیت از دستورات اسلام تأکید می‌نماید:

«مبارزه، از ابراز تنفر از ظلم که پایین‌ترین مرتبه نهی از منکر است، شروع شده، تا

قتال و جنگ با دشمن ادامه دارد، تا ظلم و ظالم از بین برود و حکومت عدل اسلامی مستقر گردد و اگر ملت ایران علیه تسلط اجانب مبارزه می‌کند، باز هم از اسلام دستور می‌گیرد، زیرا مردم مسلمان حق ندارند که غیر مسلمین را در امور خود دخالت بدهند، که مسلط بر سرنوشت آنان شوند و واجب است که با این مسلط مبارزه اسلامی کنند تا استقلال جامعه خود را به دست بیاورد» (صحیفه امام، ج ۵: ۲۳۵).

در اسلام و قرآن بر رابطه مستقیم و مستحکم ایمان و امنیت تأکید و تصریح شده و تحقق امنیت عینی و ذهنی را تنها در پرتو ایمان الهی و پیروی از امامت صالحان و معصومین می‌داند. امنیت الهی، منبع تمام آرامش‌ها و امنیت‌هاست. امنیت در تمام ابعاد، مبتنی بر تحصیل ایمان به خداست و این امنیت موجب سعادت و ایمنی انسان از شقاوت به شمار می‌رود. هر نفس متحیر و مضطربی با یاد خدا اطمینان و تسکین می‌یابد: «لا بذکرا... تطمئن القلوب» (رعد: ۲۸). آنچه از ظاهر الفاظ آیه فهمیده می‌شود، چون متعلق فعل یعنی بذکرا... مقدم بر خود فعل تطمئن آمده، در نتیجه می‌فهماند که دل‌ها جز به یاد خدا به چیز دیگری اطمینان نمی‌یابد. دل‌های آدمیان که همان نفوس و مدرکه باشد، هیچ هدفی جز رسیدن به سعادت و امنیت از شقاوت ندارد. به همین جهت است که دست به دامن اسباب می‌زند و چون هیچ سببی از اسباب نیست مگر آنکه از جهتی غالب و از جهتی مغلوب است و تنها غالب و غیرمغلوب، خدای سبحان و خدای غنی و ذوالرحمه است، پس تنها به یاد او دل‌ها آرامش می‌یابد و اگر دلی به یاد غیر او آرامش یابد، دلی است که از حقیقت حال خود غافل است و اگر متوجه وضع خود شود، بدون درنگ دچار اضطراب (ناامنی) می‌گردد.

امام خمینی که پرورش‌یافته چنین مکتبی است، بارها بر اهمیت ایمان به خدا و قدرت لایزال الهی تصریح و تأکید می‌فرمودند و منبع و سرچشمه آرامش را ایمان به خدا می‌دانستند:

«آرامشی که این طبقه محروم دارند آن طبقه‌ای که به خیال خودشان در آن بالاها هستند، ندارند. شما اگر توجه کنید، قدرتهای بزرگ را ببینید، می‌بینید که آن قدر اضطرابی که در سران قدرت‌های بزرگ هست، در شما اشخاصی که برای خدا عمل می‌کنید و از خدا می‌خواهید اجر را، این اضطراب نیست. این یک نعمتی است که خدا به شما داده و شاید ماها هم نتوانیم درست بفهمیم نعمت‌های خفیّ الهی را؛ نعمت طمأنینه، نعمت آرامش، نعمت سکینه قلب. اطمینان قلب، در شما گروهها و در گروههای به نظر آنها مستضعف، هست و در آن بالاها نیست، آن بالاها، همه اضطراب است» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۶۴).

از همین روست که امام راحل، دنیاخواهی را عامل ناامنی و وارستگی از دنیا را عامل آرامش و طمأنینه قلبی می‌دانند:

«آنچه مایه نجات انسان‌ها و آرامش قلوب است وارستگی و گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی حاصل شود. آنان که درصدد برتری‌ها به هر نحو هستند چه برتری در علوم - حتی الهی آن - یا در قدرت و شهرت و ثروت، کوشش در افزایش رنج خود می‌کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۵۱۱)

امام خمینی در سطحی کلان‌تر، مبتنی بر آیات و روایات معصومین، ریشه تمام ناامنی‌ها را ناشی از ولایت طاغوت دانسته که با وسوسه شیطان‌های درونی و بیرونی، عینیت و تحقق می‌یابد و تحقق امنیت را در پرتو ولایت نورانی الهی و معصومین علیهم السلام تبیین می‌فرماید. در فرهنگ قرآنی و اسلامی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و داری عمق است و شامل تمام ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود. بنابراین، امنیت برآیند عوامل گوناگونی است که هدف آن ایجاد زمینه برای قرب الهی و بندگی حضرت حق است (دری، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

بنا بر آنچه گفته شد، امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، مشمول گستره‌ای است که از فرد آغاز و به اجتماع و کشور و امت و سپس، کل جهان تسری می‌یابد و ناامنی نیز در فرایندی مشابه و با وسوسه‌های شیطانی آغاز و سایرین را هدف می‌گیرد. از همین روست که منبع و منشاء امنیت در دیدگاه امام، جهان‌شمول می‌شود و حتی فراتر از جامعه اسلامی، مظلومان و مستضعفان جهان از هر دین و ملت و نژاد را تحت پوشش قرار می‌دهد و خود را مسئول دفاع از آنان در برابر تهاجم و ناامنی‌آفرینی دشمنان و مستکبران و ظالمان می‌داند.

نظرات امام، جهت‌گیری خطی و تک‌بعدی ندارد، بلکه در مجموعه‌ای کلان مطرح می‌گردد که هم‌زمان بسیار سخت و غیرمنعطف یا سیال و منعطف می‌نماید. تدافع و تهاجم، حفظ و بسط، ایجاب و سلب، مسلمان و غیرمسلمان، اسلام و ایران و غیره، به صورت توأمان در بیانات ایشان مطرح می‌شود و مانع از برداشت‌های یک‌سویه و محدود مخاطب می‌گردد. همین ویژگی‌ها، رویکرد امنیتی امام را به صورت مکتبی خاص به نمایش می‌گذارد که با دارا بودن تمام نقاط قوت سایر مکاتب امنیتی، ویژگی‌های خاصی را نیز به همراه دارد. امام تلاش دارد نفوذ اسلام در جهان را گسترش داده و سلطه و نفوذ ظالمان را کاهش دهد:

«البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم‌کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند» (ر.ک. صحیفه امام (ره)).

وی ضمن تسلیم بودن در برابر خواست خدا و ادای تکلیف، اصالت عقلانیت ابزاری را نفی و آن را به عنوان ضرورت می‌پذیرد. به عبارتی دیگر، ادای تکلیف محور است و البته درایت و تدبیر در کار نیز خود نوعی تکلیف است: «دامنه اهداف ما را قدرت و توانایی تعیین می‌کند، البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۳).

ایشان لازمه حفظ روحیه مبارزه‌طلبی و عدم سازش با ظالم را در پرهیز از وابستگی به شرق و غرب می‌دانند، چرا که وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی و امنیتی را به دنبال می‌آورد. شایان ذکر است که این اصل از لوازم و نیز نتیجه اصل نه شرقی نه غربی است. امام بر حفظ حافظه تاریخی و قیام و جلوگیری از تحریف آن تأکید ویژه‌ای دارند؛ چرا که ما بخشی از هویت خود را در تاریخ قیام خود کسب کرده‌ایم و حذف و تحریف آن، حکوکت را بدون پشتوانه می‌سازد. در ادامه، به دریافت این مقاله از مکتب امنیتی امام در شناسایی مرجع امنیت، موضوع امنیت، سطح تحلیل امنیت، اهداف امنیت، مزایای امنیتی، مرزهای امنیتی و آسیب‌ها و تهدیدهای امنیتی اشاره می‌گردد تا مختصات آن بیشتر آشکار شود.

۱. مرجع امنیت

مرجع امنیت از جمله ارکان تحلیلی مفهوم امنیت در مکاتب و رهیافت‌های نظری مختلف است که در پاسخ به امنیت برای چه کسی؟ یا امنیت برای چه چیزی شکل می‌گیرد و نقطه عزیمت بسیاری از مطالعات امنیتی است. مرجع امنیت آن چیزی است که کنشگران امنیتی‌کننده آن را به مثابه مرجعی که در معرض تهدیدات وجودی است و برای آن باید به تمهیدات اضطراری متوسل شد، معرفی می‌کنند (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۰). بنابراین، پاسخ به پرسش‌های مزبور قلب هر نظریه امنیتی است و سایر موضوعات و مسایل به نوعی با آن ارتباط پیدا می‌کنند (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۵۰). سوال مزبور شامل چیزهایی می‌شود که در معرض تهدیدات وجودی هستند و از این رو، دعوای مشروعی برای بقا دارند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۷). به بیان دیگر، آنها موضوع یا هدف ارجاع تهدیدات وجودی و اصل بقا هستند. بنابراین، مرجع امنیت نامیده می‌شوند و برای حفظ آنها می‌توان به تدابیر اضطراری متوسل شد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۲). بدیهی است تمهیدات و تدابیر اضطراری اقداماتی است که ورای رویه‌های معمول و عادی سیاسی برای حل و فصل مسایل قرار دارد و عمدتاً با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها همراه است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹).

مرجع امنیت از منظر حضرت امام دارای سه کانون اصلی است، به طوری که در تعامل با همدیگر یک کل را تشکیل می‌دهد و در شرایط زمانی و مکانی مختلف، هر یک از کانون‌ها، خود را به عنوان پاسخ‌دهنده به سه سؤال اساسی، یعنی «امنیت چه کسی تأمین شود، امنیت توسط چه کسی تولید شود و چه کسی امنیت را تعریف می‌کند»، معرفی می‌کند.

امام ذات اقدس الهی را مرجع اصلی و ذاتی در تعریف و تبیین امنیت می‌دانند که عینیت آن در اسلام و جمهوری اسلامی تبلور می‌یابد که هم از جهت وضع و شرح امنیت و هم از جهت حفظ باید در کانون توجهات قرار داشته باشد و از آن حفاظت گردد. بنابراین، گرچه مرجع اصلی امنیت در حکومتی که مبتنی بر دین است، کلام خدا و روایات وارده پیامبر (ص) و ائمه اطهار، علیهم‌السلام است، لیکن به معنای عینی می‌توان مرجع امنیت را در ایده حکومت (جمهوری اسلامی)، نهادها (ولایت مطلقه فقیه، قوای سه‌گانه، روحانیت و سایر...) و پایگاه اجتماعی (مردم، گروه‌ها، جریانات، مستضعفان و پابرهنگان داخلی و خارجی) با محوریت اسلام ناب تعریف نمود.

«مسأله حفظ جمهوری اسلامی... از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۰۶). الان جمهوری اسلامی یعنی اسلام (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۱۲). «اینکه فرموده‌اند فقها حصون اسلامند، یعنی مکلف‌اند اسلام را حفظ کنند و زمینه‌ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و این از اهم واجبات است و از واجبات مطلق می‌باشد» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۶۷). «ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات است. حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود» (ولایت فقیه، ۱۳۸: ۶۷).

از همین روست که حفظ جمهوری اسلامی را از اوجب واجبات می‌دانند، زیرا تنها نظامی است که به دنبال اجرا و تحقق احکام اسلام ناب است و می‌فرماید:

«اگر این جمهوری اسلامی از بین برود اسلام آن‌چنان منزوی خواهد شد که تا ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۹۵).

«آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده، حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی مردم ایران پیدا نمی‌شود» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۵۳). «همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت پشتیبان است، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۹۱). «هم تکلیف شرعیتان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را... ما وقتی مردم را داریم اسلام داریم و رضای خدا را داریم همه چیز داریم» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۵۳).

برخلاف رویکرد سنتی امنیت که تهدیدات را با ماهیت نظامی و منشأ خارجی تعریف و مرجع امنیت را دولت می‌دانست، حضرت امام ضمن توجه و تأکید بر مؤلفه نظامی و تبیین تهدیدات خارجی، نقش اصلی را به عوامل داخلی می‌دهد. امام با ژرف‌نگری و دریافت هوشمندانه از ساختارهای موجود امنیتی و پیش‌بینی شرایط متحول کنونی و ناپایدار آینده، مکتب امنیتی خاصی را ارایه و نهادینه می‌سازد. اگرچه مرجعیت این مکتب اسلام ناب و تبلور یافته در نظام جمهوری اسلامی است، اما دارای ابعاد و سویه‌های مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می‌باشد که از سوی استکبار مورد تهدید واقع شده و هم‌زمان از سوی مستضعفان و پابرهنگان جهان، از هر قوم، نژاد و مذهب، مورد حمایت و دفاع قرار دارد.

۲. موضوع امنیت

در مجموع می‌توان از منظر سه رویکرد به موضوع امنیت پرداخت که عبارتند از:

الف. بُعدمحور، شامل شناخت موضوع امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی، اخلاقی (دین)، امور قضایی و ...

ب. فضا محور یا شناخت موضوع امنیت در هر یک از فضاها، شامل فضاها، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و نظامی.

ج. رویکرد محور یا نحوه شناخت موضوع امنیت از منظر ایجابی و سلبی (بهنام، ۱۳۸۹: ۷). آنچه با استناد به برخی بیانات و دیدگاه‌های حضرت امام به آن خواهیم پرداخت، بررسی ابعاد و سطوح مختلفی است که می‌توان برای امنیت قائل شد.

۲-۱. امنیت فردی

امنیت فردی، عبارت است از حالتی که فرد - جسماً و روحاً - در آن فارغ از ترس و آسیب‌رسیدن به جان، مال و یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند. بنابراین، حفظ آبرو و حیثیت افراد و سلامت جسم آنان و در کل، امنیت در حوزه خصوصی در حیطه این بعد از امنیت قرار می‌گیرد. همچنین، می‌توان با رویکرد فلسفی به موضوع امنیت فردی انسان نگریست و به لحاظ مفهومی و نه مصداقی، انسان و جایگاه وی را در نظام هستی مورد بررسی قرار داد. در این رویکرد، امنیت‌داشتن انسان به معنای ثبات هویت شخصی او، نسبت به

خودش، خدا و جهان با توجه به پویایی اصیل اندیشه انسانی می‌باشد و بی‌امنیتی انسان، به معنای فروپاشی شخصیت و جایگاه و هویت انسان نسبت به خدا، خودش و جهان و در نتیجه، بحران هویت او در نظام هستی است (لکزایی، ۱۳۸۵).

در نگاه امام، امنیت پیش از همه در بعد فردی معنا می‌یابد و اگرچه جمع و امنیت جمعی، همچون هویت جمعی بر فرد و امنیت شخصی مقدم است، اما امنیت جمعی همچون هویت جمعی، متضمن امنیت فردی و ضامن سعادت تک‌تک افراد است (فوزی، ۱۳۷۹: ۷۳). امام خمینی مبتنی بر هستی‌شناسی توحیدی و انسان‌شناسی دینی، انسان را موجودی کمال‌طلب و دارای فطرتی می‌داند که درون آن زمینه‌ها و استعداد‌های الهی و شیطانی به صورت بالقوه از طرف خداوند قرار داده شده است. به صورت ذاتی، تفاوتی میان انسان‌ها و اختلاف و تمایزی میان آنها قائل نیست، اما بر این باور است که عوامل مختلف در طول زندگی انسان موجبات به فعلیت در آمدن این استعداد‌های متضاد می‌شود و در نتیجه، دو نوع هویت الهی و شیطانی بروز می‌کند (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۵۰-۱۴۰). از همین روست که امام بر این باور است که:

«انسان اگر درست شد، آرامش در یک مملکتی پیدا می‌شود. اگر یک مملکتی روی تعلیمات توحیدی، روی تعلیمات انسانی - اسلامی افرادش بار آمدند، اینها به تعبیر قرآن این طور بار می‌آیند که بین خودشان با هم رحیمند، دوستند؛ بین خودشان این طور هستند؛ اما اگر کسی بنا شد به آنها تعبدی بکنند بخواهد حمله کند به آنها، نسبت به آنها «اشداء» است، سخت است» (صحیفه امام، ج ۸: ۹۶).

با چنین نگاهی است که امام برای ایجاد و تحقق امنیت فردی و سپس امنیت جامعه، بر تهذیب نفس و تربیت تأکید خاص و حتی در انتخاب میان علم و تهذیب، بر اولویت هستی‌شناختی تهذیب تصریح می‌نماید:

«اگر ما فرض می‌کردیم که بشر مهذب بود و عالم نبود، دنیا با آرامش، با آرامش خاطر زندگی می‌کرد. اگر ما فرض می‌کردیم که علم توی کار نبود، فقط تهذیب نفس بود، البته خیلی عقب بود بشر از اینکه علم ندارد، خیلی تقیصه بزرگ داشت، لکن روی هم رفته‌اش برای بشر، صلاح این است که آموزش داشته باشد. اگر امر دایر شد بین این دو تا، صلاح بشر این است که علم تحصیل بکند، یا صلاح بشر این است که تربیت معنوی داشته باشد؟ ما شک نداریم در اینکه اگر امر بین این دو تا باشد، دایر بین این دو تا، یعنی اگر یکی آمد دیگری نباشد، اگر علم آمد تهذیب نباشد، اگر تهذیب هم آمد علم نباشد، اگر این بشر مهذب

باشد، آزار به کسی نرساند، مردم را رنج ندهد، با مردم رئوف باشد، مردم را برادر خود بداند، بشر را برادر و همتای خود بداند، اگر یک همچو معنایی با همه شئونی که تهدیب نفس داشت بود، علم هم هیچ نبود، مردم در آسایش بودند» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۴۹۹).

۲-۲. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به معنای وجود شرایط اجتماعی برای رشد استعدادهای انسان در ابعاد اجتماعی است. بنابراین، مصونیت افراد جامعه از تهدید مأموران دولتی و قضایی از شروط و مصادیق بارز چنین امنیتی به شمار می‌رود. امام خمینی (ره)، در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر نمود، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی‌های شخصی و فردی آنها و به ویژه، امنیت قضایی، به مواردی تصریح می‌کند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۳۹).

امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از محرومان و مظلومان و برخورد با مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و گسترش حاکمیت عدل و قانون با معیارهای الهی جستجو کرد (دری، ۱۳۸۱: ۲۱۴). ابتکار، خلاقیت و شکوفایی استعدادهای افراد تنها در سایه آسایش فکر و امنیت جان و مال و ناموس و ایجاد فرصتی امن و برابر برای همگان امکان‌پذیر است. از این رو، امام خمینی (ره) به دستگاه‌های قضایی، امنیتی و حکومتی، توصیه‌هایی برای مراعات امنیت مردم دارد: «از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی درآمده بود، با جدیت سر و سامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست، عدالت اسلامی است، از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۲۴).

۲-۳. امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به معنای وجود فضایی سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی در این مورد اهمیت دارد (لک‌زایی، ۱۳۸۵). امام خمینی

در پاسخ به سؤال خبرنگار خبرگزاری رویترز مبنی بر اینکه «محتوای سیاسی و اجتماعی رژیم شما چیست؟ بعضی می‌گویند اسلام محافظه‌کار است»، در رد ادعای مذکور می‌فرمایند:

«رژیم شاه همه آزادی‌ها را در ایران از میان برده است. اگر ما محافظه‌کار بودیم نباید خواهان آزادی رأی و برابری امکانات اقتصادی و سیاسی می‌شدیم» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۵۹). امام خمینی همواره بر آزادی سیاسی افراد و آزادی بیان تصریح و تأکید داشتند و آن را از ابتدایی‌ترین حقوق بشر در نظر اسلام تبیین می‌کردند. امام با تصریح و استناد به آیات الهی و روایت ائمه اطهار، بر آزادی و شئون مختلف آن تصریح می‌نمایند. از این رو، در نظر ایشان، محدوده آزادی و موارد ممنوعه آن را نیز اسلام تعیین می‌کند. درک و فهم این نکته از اهمیت کلیدی برخوردار است و مبنایی برای تشخیص دیکتاتوری از نظام و حاکمی است که مبتنی بر قانون اسلام، حکم صادر می‌کند.

۲-۴. امنیت فرهنگی

فرهنگ عبارت است از شیوه زندگی هر ملت و ارزش‌هایی که می‌توانند به عنوان عامل مشترک در میان مردم کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کنند. در جامعه دینی، دین فقط یکی از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ نیست، بلکه واقعیت دین‌داری، کل فرهنگ را تشکیل می‌دهد. مقابله با تهاجم فرهنگی در تضمین امنیت فرهنگی بسیار مهم است. این تهاجم در سه صورت «تحمیل فرهنگی»، «تخریب فرهنگی» و «تهدید فرهنگی» امکان بروز می‌یابد (لکزایی، ۱۳۸۵). در گفتمان امام خمینی، فرهنگ هر جامعه رکن رکین آن است و از این رو، رواج فرهنگ غربی و ضد دینی، از مصادیق بارز ناامنی است که می‌تواند تمامی مرزهای هویتی جامعه و فرد را از میان بردارد. «آنچه می‌توان گفت ام‌الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۴۶).

۲-۵. امنیت ملی

توانایی هر ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی است. به عبارت دیگر، توانایی کشور در جهت تأمین و صیانت از موجودیت فیزیکی، زیستی و معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقا و بهینه‌سازی آن و تعقیب و نیل به اهداف و منافع ملی در دوران جنگ و صلح در قبال تهدیدات داخلی و خارجی، از عناصر تعیین‌کننده امنیت ملی به حساب می‌آیند (لکزایی، ۱۳۸۵).

هدف اسلام تربیت انسان کامل است و کمال انسان منوط به مبارزه با موانع کمال است. موانع کمال یا درونی است یا بیرونی. رذایل اخلاقی جزء موانع درونی و استبداد و استکبار از

موانع بیرونی به حساب می‌آیند. بنابراین، تهدیدات اصلی امنیت انسان و جامعه انسانی، تهدیدات درونی است. مبارزه با تهدیدات درونی، مقدمه مبارزه با تهدیدات بیرونی است. در نتیجه، ضرورت دارد در بحث امنیت فردی، موانع درونی کمال جزء تهدیدات به حساب آید و در حوزه امنیت ملی و جهانی باید استبداد و استکبار را تهدید دانست و روشن است که با تهدید هم باید مبارزه کرد (لک‌زایی، ۱۳۸۵).

در اندیشه امام (ره)، اسلام و ایمان موضوع امنیت قرار می‌گیرد و تمام عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده جامعه اسلامی باید در جهت تعمیق، حفظ و حراست از آن از هیچ کوششی فروگذار ننمایند و همه انسان‌ها باید فدای آن شوند (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۱۵). امام خمینی، مکتب را عامل قدرت مسلمین می‌داند و از همین رو، با هرگونه سستی و اعوجاج در موضوعات مرتبط با مکتب، سرسختانه مخالفت می‌کند: «نباید راجع به مکتب یک کلمه‌ای کسی بگوید، اشتباه می‌کنند اگر می‌گویند مکتب چطور، تمام مقصد ما مکتب ماست و مسلمان‌های ما برای مکتب ماست که این طور قدرت دارند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۷۶).

بنابراین، در معرفت امام، اسلام دینی اجتماعی و سیاسی است و مسلمان‌بودن، در انجام عبادات و فرایض فردی خلاصه نمی‌شود. این نگاه معرفتی امام به اسلام، با خود ضرورت‌ها، پیامدها و نتایج عملی متعدد و گریزناپذیری را به دنبال می‌آورد که با نگرش بسیاری از علما و مراجع هم‌عصر ایشان و علمای دوران گذشته تفاوت‌های اساسی پیدا می‌کند.

در نگاه امام خمینی، اسلام در مقابل ظلم ساکت نیست، عدالت‌محور و مؤید آزادی است، دارای حکومت بوده و کلیه شئون فردی و اجتماعی انسان را در بردارد. چون امام دین را دارای ابعاد مختلفی می‌داند، همواره بر پیروی از اسلام در روش و حرکت در کلیت سیاست تأکید و بر نفی جدایی دین از سیاست تصریح می‌نمود و دین اسلام را در همه شئون سیاست و حکومت مبنا قرار می‌داد: «مسئله‌ای را که لازم دیدم تذکر دهم این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۶۴).

بنابراین امام، مصداق امنیت را در رویکرد نظری اسلام و در رویکرد اجرایی و عملی جمهوری اسلامی می‌داند و حفظ و مراقبت از آن را مترادف با اسلام معرفی می‌کنند. از اینجاست که عبارت «حفظ نظام از اوجب واجبات است» معنا می‌یابد و حفظ اسلام در ایران و جمهوری اسلامی را از همه تکالیف بالاتر می‌داند:

«اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۲۹) و یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «مسأله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر ... از اهم واجبات عقلی و شرعی است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۰۶).

حکومت، برای حفظ و بسط مکتب اسلام بنا نهاده شده و هرگونه تزلزلی در آن موجبات ضربه به اسلام و مکتب می‌شود. باور امام به حفظ جمهوری اسلامی به گونه‌ای تزلزل‌ناپذیر و یقینی است که به خود اجازه می‌دهد در راستای تبیین اهمیت آن، تصریح نماید: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۳۶۵).

جالب اینکه امام حفظ و حراست از جمهوری اسلامی را صرفاً تکلیف ایرانیان نمی‌داند و با تصریح بر اولویت آن نسبت به حتی فرایضی نظیر نماز و حج، دفاع و حمایت از جمهوری اسلامی را واجب عینی تمامی مسلمین برمی‌شمرد: «آحاد مردم یکی یکی شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی است. از نماز اهمیتش بیشتر است برای اینکه این حفظ اسلام است. نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه است ... آن مسلمی که در آفریقا است، حفظ جمهوری اسلامی برایش واجب است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۲۷۵).

۳. سطح تحلیل امنیت

سطح تحلیل امنیت یا زاویه‌ای که امام از محل آن به قضایا و مسائل نگاه می‌کند، چندوجهی است و متوقف در یک سطح تحلیل نیست. این موضوع متأثر از مبانی معرفت‌شناختی ایشان است. در بیانات امام و اندیشه‌های ایشان، تمامی سطوح تحلیل، از فرد گرفته تا جامعه و دولت و منطقه و جهان، لحاظ شده است. در عین حال، همه اینها در طول هم بوده و افتراقی بین آنها نیست. دلیل اصلی آن نقطه تمرکز معرفتی امام است. اصولاً جنس آن با سایر مکاتب متفاوت است و می‌توان گفت هیچ‌کدام از سطوح تحلیل اشاره‌شده اصالتی در نگرش امام ندارند. تنها می‌توان در هر موضوع خاص صرفاً تطبیق یا تناظری میان سطوح تحلیل مکاتب فعلی با سطح تحلیل امام برقرار نمود. برای نمونه، امام در مقایسه با ملت، بیشتر بر امت تأکید می‌کند و در عین حال، ملت را نفی نمی‌کند. از تدبیر در اندیشه‌های امام می‌توان گفت که سطح تحلیل اصلی امام، عقیده است:

«جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۶۸).

«این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوش‌گذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست» (صحیفه امام ج ۲۱: ۶۹). «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و زدالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۳).

۴. اهداف امنیتی

در بسیاری از تئوری‌ها و مکاتب امنیتی، به ویژه تئوری‌های مدرن، به دلیل نگاه معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه، ویژگی‌هایی که برای اهداف برشمرده می‌شود نیز متأثر از ماده‌گرایی بوده و عموماً دارای مختصات ذیل هستند:

۱. مشخص باشند، یعنی گزاره باید کاملاً برای مخاطب شفاف و مشخص باشد.
 ۲. قابل اندازه‌گیری باشند، یعنی معیاری برای اندازه‌گیری آن بتوان ارائه کرد.
 ۳. دست‌یافتنی، قابل پذیرش، عمل‌گرا و حساب‌پذیر باشند.
 ۴. حقیقی، منطبق بر واقعیات موجود، مرتبط با اسناد بالادستی و تحریض‌کننده باشند.
 ۵. قابل زمان‌بندی، دارای پیوستگی همراه با افزایش تلاش گروهی و مانند آن باشند.
 ۶. قابل توسعه و تعمیم باشد.
 ۷. منعطف بوده و پویایی را در محیط وارد نماید و آن را از محیط درک نماید.
- در این مکاتب، با اتکا به چنین مختصاتی، اهداف به انواعی نظیر تاکتیکی و استراتژیکی تقسیم‌بندی می‌شوند (هولستی، ۱۳۷۳).

این درحالی است که در نگاه معرفتی امام، شاخص‌های مورد اشاره، گرچه نفی نمی‌شوند و در جای خود حائز اهمیتند، اما به هیچ وجه مختصات کامل و جامعی به شمار نمی‌روند. از همین روست که اهداف بسیاری وجود دارند که نمی‌توان برای تحقق آن زمان مشخصی را تعیین نمود.

«آری، شعار نه شرقی و نه غربی ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفان بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها منبع نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد ... کسی گمان نکند این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است» (صحیفه امام، ۱۳۶۶: ۱۴).

یکپارچگی جهان اسلام و شکل‌گیری امت واحده اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و دین نبوی، حمایت مجدانه از مستضعفان و مظلومان جهان و گسترش اسلام نبوی و تشیع علوی در سراسر گیتی در راستای زمینه‌سازی و تمهید مقدمات ظهور امام عصر (ارواحنا فدا) و زمینه‌سازی برای جریان‌یابی کامل هدایت الهی در جامعه بشری را می‌توان از اهداف امنیتی امام نام برد.

قراردادن این اهداف در ذیل اهداف امنیتی، زمانی مشخص می‌شود که از مرحله نظر وارد مرحله اجرا و عمل برای تحقق آن شویم. برای نمونه، امام خمینی در راستای بسط و ترویج اسلام و حمایت از مستضعفین جهان اظهار می‌دارند:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۲۳۸).

«ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۲۳۸).

به عبارت دیگر، امام تنها در مرحله نظر به اهداف بلندی که منبعث از آیات و روایات است، اکتفا نمی‌کند و در هر فرصتی بر عملی‌شدن این اهداف و تلاش در جهت تحقق آنها تأکید می‌نماید:

«مقصود این است که برای مظلومان، برای مستمندان، برای پیشرفت احکام اسلام، برای دفع ظالم از مظلومان، برای قطع ید ستمگران، همه اینها برای خدا، خدا فرموده است ما عمل می‌کنیم» (امام، ج ۱۹: ۱۳۰).
تحقق هدف نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی همسو با آن است و از این رو، میان اهداف امنیتی که غالباً جنبه‌ای نظری دارند با سیاست‌های امنیتی که مربوط به مرحله اجراست، پیوند برقرار می‌شود. سیاست‌های امنیتی امام بسیار صریح و روشن بیان می‌شود که دارای ابعاد تهاجمی، تدافعی، ایجابی و سلبی است. از یک سو با اقتدار از کیان اسلام و تشیع دفاع کرده و از سوی دیگر، حملات مکرر و ویرانگری به استکبار به عنوان نماد ولایت طاغوت و حاکمیت شیطان دارد. هیبت و هیمنه ولایت طاغوت را به انحاء مختلف تخریب و تحقیر می‌نماید و عظمت و اقتدار و نور امنیت ولایت نبوی را به عنوان تنها گزینه مطلوب بشریت به جهانیان معرفی می‌نماید. برای نمونه، امام در خصوص صدور انقلاب که یکی از اهداف استراتژیک و مهم اندیشه‌های ایشان است، بر سیاست‌های ذیل تصریح می‌نماید:

«ما از اول گفتیم که می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم. صدور انقلاب به لشکرکشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۲۴۲) و یا در جایی دیگر در همین راستا می‌فرماید: «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۳۸).
«ما بدون توجه به غرب حیل‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام هستیم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۰۰).

۵. مسئولیت‌های امنیتی

امام تحقق اهداف و اجرای سیاست‌های امنیتی خویش را در ظرفیت جامعه جهانی مسلمانان و مظلومان تعریف می‌کند و سعی دارد با عزت‌آفرینی و اعتمادبخشی به آنان، این انرژی خفته را بیدار و به سمت ولایت علوی هدایت نماید و آنان را ترغیب به ستیز و غلبه بر ولایت شیطان سازد:
«و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان، پناخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغات ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان ترسید» (رک. صحیفه امام^(۵)).
و در جایی دیگر به همین مضمون می‌فرماید:

«هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی پناخیزید و مقدرات خود را به دست گیرید تا کی نشسته‌اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کند» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۵۹).

از سوی دیگر، امام همچون همه عرصه‌های دیگر، همه را به اندازه جایگاه و نقشی که بر عهده دارند، مسئول به شمار می‌آورد.

۶. مرزهای امنیتی

یکی از دیدگاه‌های صریح امام، نامحدود بودن مرزهای امنیتی است. ایشان امنیت را برای ایران، جهان اسلام و جهان مستضعفان و مظلومان از هر ملت و نژادی تعریف می‌کنند و خود را موظف به تحقق امنیت در این گستره می‌دانند. مرزهای امنیتی از نظر امام معطوف به جامعه بشری است. در این رویکرد، امام با دقت و ظرافت تمام، مرزبندی خود را با دولت‌ها مشخص و به حمایت از مردمان آن کشورها می‌پردازد.

امام امنیت را به صورت غیرمتمرکز، نامتقارن و پخش شده تعریف می‌کند و خطوط اولیه نبرد را در درون کشورهای استکباری و شیطانی تعریف می‌کند. به این ترتیب، یکی از وجوه ممیزه مکتب امنیتی امام از سایر مکاتب امنیتی، نوع تعریف مرز است. در نگاه امام، اگرچه مرز ضرورت دارد، اما اصالت با عقیده است.

از مجموع آنچه در اظهارات امام بزرگوار در خصوص مرزهای اجرایی امنیت قابل استنتاج است، می‌توان مرز را به عنوان معیار و ملاکی تعریف نمود که محدوده عمل را تعیین و به عبارت دیگر، خطوط قرمز هر اقدام و تصمیم امنیتی را مشخص می‌کند. یکی از مفاهیمی که در مکتب امام در تعارض محض با سایر مکاتب امنیتی موجود است، مفهوم مرز است.

جنس مرز در مکتب امام، عقیدتی و هویتی است. بنابراین در مکتب امام، مرز جغرافیایی ضروری است، اما مرز هویتی اصالت دارد. این تفکیک مؤید اهمیت یا کم اهمیت بودن یکی در برابر دیگری نیست و اصولاً نمی‌شود آن را تفکیک نامید. مهم آن است که مرز جغرافیایی (محدوده ایران فعلی) در طول مرز هویتی است. بنابراین، مرز جغرافیایی به ذات ارزشی ندارد، بلکه از آن رو که در طول مرز هویتی و عقیدتی استقرار یافته، ارزش می‌یابد. بنابراین، اعتباراً مورد پذیرش است و البته، دفاع از آن بسیار مهم است، چراکه مخدوش شدن آن اصل نظام اسلامی را که حفظ آن از اوجب واجبات است، به خطر می‌اندازد. لفظ وجوب شرعی نیز خود از جنس عقیده است و بنابراین، دفاع از مرز واجب شرعی است نه صرفاً وظیفه ملی. به عبارت دیگر، از آن رو واجب شرعی است که خود ماهیت عقیدتی دارد، یعنی در طول مرز عقیدتی است که همان اسلام است.

مهمترین معیارهای تعیین کننده مرز، عدالت اسلامی و مصلحت نظام است. انجام تکلیف شرعی جزء اصول لایتغیر است، اما محدوده تکلیف در رسیدن به اهداف بلند را میزان توانایی و قدرت تعیین می کند. از طرفی، مبارزه با ظلم و ظالم مرز ندارد. به عبارت دیگر، تا ظلم هست، مبارزه هست. بنابراین، ملاک و معیار توقف مبارزه را وجود یا عدم ظالم تعیین می کند. «ما اگر دستمان می رسد، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، متها ما نمی توانیم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۳) «بله، البته آن پرکردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی توانیم [پیر] بکنیم. اگر می توانستیم، می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید ببینند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵). «جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم» (صحیفه امام ج ۲۱: ۷۴). «ما می گوئیم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۷۴).

از همین رو، امام حتی در خصوص جنگ تحمیلی میان ایران و عراق بارها تصریح می نمودند که جنگ ما جنگ با عراق نیست: «جنگ ما جنگ با ابرقدرت های شرق و غرب نیست. جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری های دنیای سرمایه داری و کمونیسم ... این جنگ سلاح نمی شناسد. این جنگ محصور در مرز و بوم نیست» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۲۲۲).

در جایی دیگر در خصوص ضرورت دفاع از مستضعفین و محرومین جهان با نگاهی فراملی می فرمایند: «ما کشور را کشور ایران نمی دانیم ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می دانیم ... ما دفاع از همه مسلمین را لازم می دانیم. ما اگر چنانچه دستمان برسد با همه جبارهای دنیا معارضه می کنیم. ما مابین آن مسلمی که در حبشه است با آن مسلمی که در این جاست نمی توانیم فرق بگذاریم. اسلام نگذاشته اینها را فرق بگذاریم. همه مثل هم هستند. تفاوت در تقوا است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۲۴۷).

امام حتی در وصیت نامه خود نیز تصریح می نماید که وصیت ایشان اختصاص به ملت ایران ندارد و خطاب آن به تمام ملل اسلامی و مظلومان جهان است. البته، چنین تعریفی از مرز اگرچه ظاهراً غیرواقع بینانه بوده و موجبات فشارهای امنیتی و نظامی علیه کشور و ملت ایران می شود، اما در

نگاه عمیق امام، دارای کارکردی دوسویه است که خود از مزایای امنیتی این مکتب به شمار می‌آید: «کارتر باید بداند که حمله به ایران، حمله به تمام بلاد مسلمین است و مسلمانان جهان در این امر بی‌تفاوت نیستند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۵۴).

۷. مزایای امنیتی

امام در هر فرصتی به بیان مزایای امنیتی اسلام و آگاه‌سازی مخاطبان می‌پردازد. استقرار عدالت، زمینه‌سازی برای شکوفایی انسان‌ها، رفع موانع مادی و غیرمادی فراروی مسیر تکاملی بشریت و در نهایت، شکوفاسازی تمامی توان‌مندی‌ها و استعداد‌های الهی در ذات انسان را مطمع نظر قرار می‌دهد. از جمله مهمترین مزایای امنیتی این مکتب می‌توان به وجود روحانیت مبارز و متعهد به اسلام، نهادهای انقلابی، اخلاق‌محوری، باور به عنایات حق و یاری خدا، روحیه شهادت‌طلبی، اعتقادات مذهبی و توسلات و دعاها، ایمان، اعتقاد و انگیزه الهی و ارزش‌های انقلابی، روحیه استقلال‌طلبی و ظلم‌ستیزی، وجوب احکامی نظیر امر به معروف، نهی از منکر، باور و اعتقاد به صبر و شکیبایی انقلابی و قدرت و استقامت در ایستادگی مقابل استکبار، بیداری و هوشیاری ملت و آگاهی و شعور سیاسی مردم (بصیرت)، حضور مردم در صحنه‌ها، بسیج و سازمان‌دهی جهان مستضعفان و پابرهنگان، حامیان جان‌برکف و حمایت رو به افزایش از اصول انقلاب اسلامی، آمادگی و حضور مردم برای جنگ، جهاد و مقابله با دشمنان و پشتیبانی و دفاع از اسلام، قران و انقلاب، نقش بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی و اصل دفاع همه‌جانبه، تکلیف الهی و رضایت حق تعالی در برخورد با مسائل، توانایی‌های مادی ایران و دارا بودن ایده و الگوی مقبول و فطری برای جامعه جهانی اشاره کرد.

«خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه‌گاه ما تویی و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن که تو بهترین یاری‌کنندگانگی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة‌الله - ارواحنا لئراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت جبران فرما» (صحیفه امام، ج: ۷۴)

«راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار کرده است مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است مخدر جامعه است؟» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۲۵) امروز غرب و شرق به خوبی می‌دانند که تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۵۵).

حضرت امام افزایش معتقدین به اصول انقلاب اسلامی در سراسر جهان، به ویژه ملت مسلمان فلسطین و آنانی که با خون خویش به حمایت از انقلاب اسلامی می‌پردازند را سرمایه‌های انقلاب می‌دانند. آنانی که با سر و جان دعوت انقلاب را لیبیک گفته و به یاری خدا کنترل جهان را به دست خواهند گرفت و در جنگ حق و باطل و استضعاف و استکبار شرکت دارند. چنانچه این جنگ را جزء حوزه مباحث امنیتی بدانیم، این سرمایه‌های مورد اشاره حضرت امام، مزیت امنیتی جمهوری اسلامی تلقی می‌گردند که دیگر نظام‌ها فاقد آن هستند: «معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لیبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۷۴).

۸. آسیب‌ها، تهدیدها و چالش‌های امنیتی

امام، منشاء اصلی تهدیدها و آسیب‌ها را درون‌زا (فردی و اجتماعی) می‌دانند و می‌فرمایند: «از خارج نترسید، تا داخل آسیبی نبیند، از خارج نباید ترسید، از داخل بترسید» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۹۵) و در جایی دیگر، خطر دشمن خارجی را نیز زمانی مؤثر می‌داند که توسط عوامل و مزدوران داخلی انجام شود: «آمریکا نه دخالت نظامی می‌کند در ایران و نه حضور اقتصادی می‌تواند بکند. توطئه آمریکا این است که در داخل خود کشور ما کار بکند که ما نتوانیم این راهی را که رفتیم برویم. توطئه داخلی و به دست اشخاصی که در داخل کشور هستند و از کارکنان آنها هستند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۷۵).

اختلافات، دنیاطلبی مسئولان و مردم، هوس‌رانی، فاصله‌گرفتن مسئولان و مردم از اسلام و در نهایت، جدایی ملت از دولت را آسیب و تهدید اصلی بیان می‌کنند که در غیر این صورت، پیروزی بر طاغوت و استکبار را به اتکال الهی، امری قطعی و عملی می‌دانند. ایشان دنیاطلبی و رفاه‌زدگی مسئولان و مردم را سرآغاز تهدیدات و آسیب‌ها می‌دانند. «سرچشمه همه مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند، این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان و از آنها باشد» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۲۶۳). «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد آن روز است که باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۷۶).

«بی‌تفاوتی مردم نسبت به امور حکومت، آسیب جدی است. «یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد راجع به آسیب‌ها» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۶۰). «تعمیق شکاف و تفرقه میان

مردم و مسئولین و نیز تفرقه‌های مذهبی از آسیب‌های تحمیلی دشمنان خارجی و داخلی است و آمریکا و شوروی برای تضعیف اسلام و دولت‌های اسلامی مشغول فعالیت از قبیل تفرقه‌افکنی‌ها و ایجاد تشنجات داخلی به دست عمال مزدور یا فریب‌خورده ... هستند» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۱۴۶).

غفلت از حضور و اراده مردم در طول زمان و ارزش‌مداری مردم، روحانی‌نماها و متحجرین (عالمان متهتک، جاهلان متنسک)، غفلت از دشمن و دشمن‌شناسی، غرب‌زدگی، ملی‌گرایی و پیروی کورکورانه از نظرات دشمنان و ترویج ناکافی‌بودن اسلام در مدیریت جامعه، از دیگر آسیب‌های امنیتی به حساب می‌آیند:

«هان ای مسلمانان قدرتمند، به خود آبیید و... اختلافات فرقه‌ای (قومی) و منطقه‌ای را که به دست قدرت‌های جهان‌خوار و عمال فاسد آنها برای غارت شما و پایمال کردن شرف انسانی و اسلامی شما بار آمده، به حکم خدای تعالی و قرآن مجید به دور افکنید و تفرقه‌افکنان از قبیل آخوندهای جیره‌خوار و ملی‌گرایان بی‌خبر از اسلام و مصالح مسلمین را از خود برانید که ضرر اینان بر اسلام از ضرر جهان‌خواران کمتر نیست. اینان اسلام را وارونه نشان می‌دهند و راه را برای غارتگران باز می‌کنند» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۹۹).

من به صراحت می‌گویم ملی‌گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست‌ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۸). «اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۰۰).

«برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۱۹). «ولی راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد، کاملاً مشخص نشده است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲۱). «ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزّه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۴۳).

نتیجه گیری

اصول و مبانی مکتب امنیتی امام، یک کل به هم پیوسته است، به گونه‌ای که حذف هر یک از آنها مسیر حرکت را منحرف می‌کند. در درون این کل به هم پیوسته، برخی اصول همیشگی است، به این معنا که در هیچ شرایطی نمی‌شود از آن عدول کرد. بنابراین، اصول مزبور نسبت به دیگر اصول از اولویت و اهمیت برخوردارند. این استدلال به هیچ وجه به معنای نادیده گرفتن یا کم اهمیت جلوه دادن دیگر اصول نیست و آنها نیز در مکتب امام اصالت دارند، اما می‌شود در شرایطی آنها را به تأخیر انداخت.

همانگونه که مفهوم امنیت در اسلام، در قالب مجموعه و کل (بسته) که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضائی، انسانی و مانند آنها را در برمی‌گیرد، تعریف شده است، نگاه امام خمینی به مفهوم امنیت نیز چون مبتنی بر مبانی دینی و الهی است، موسع و چندبعدی است. بنابراین، برخلاف بسیاری از دیگر مکاتب امنیتی، امام امنیت را دالی پرمایه می‌پندارد که دامنه موضوعیت آن از نفس انسان و تضاد جنود شیطانی با رحمانی آغاز و مصادیق دیگر آن تا عینیات اجتماعی و به ویژه، روابط میان بازیگران نظام بین‌الملل بسط پیدا می‌کند. این گستردگی موضوعیت است که تمامی جنبه‌های مادی و معنوی را در برمی‌گیرد و مبارزه‌ای همه‌جانبه و بی‌وقفه را ترسیم می‌کند که پیروز حقیقی آن به آرامش می‌رسد و مغلوب آن همواره در ناامنی است. بنابراین، امنیت در گفتمان امام خمینی مترادف با آرامش است.

با چنین نظام معرفت‌شناسانه‌ای، امام خمینی در مقام رهبر و حاکم اسلامی، امنیت را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای (جهان اسلام) و بین‌المللی (مظلومان و مستضعفان جهان از هر دین و ملت)، توزیع و پراکنده می‌سازد تا قدرت تدافعی آن را در مرحله اول و قدرت تهاجمی آن را در مرحله دوم فراهم سازد. امام در رویکرد جهانی‌سازی اسلام ناب و تشیع علوی، سعی دارد با توزیع قدرت و امنیت، استکبار و ایادی شیطان را محدود و اقدام آنان را در هر سطح مهار سازد. بنابراین، امنیت در نگاه امام، جنبه‌ای عقیدتی و مهمتر از آن هویتی پیدا می‌کند که مبانی آن برگرفته از اسلام است و طرفین درگیر در تمام سطوح، دو دسته الهی و طاغوتی، مستضعف و مستکبر می‌باشند و این مرز از داخل مرزهای جغرافیایی واحدی به نام ایران آغاز و تا تمامی نقاط این عالم و هر جا که چنین دوگانگی وجود داشته باشد، کشانده می‌شود.

منابع

- امام علی (ع) (۱۳۷۹): **نهج البلاغه**، ترجمه جعفری، محمدتقی، چ سوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اخوان کاظمی، بهمن (۱۳۸۵): **امنیت در نظام سیاسی اسلام**، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶): **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهنام، علی (۱۳۸۹): **موضوع امنیت در نگاه امام خمینی**، تهران: بی نا.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۴۹
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۷۸): **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دری‌نجنف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۸۱): **حکومت علوی، هدف‌ها و مسئولیت‌ها**، تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- ره پیک سیامک (۱۳۸۷): «مفهوم و اجزای یک نظریه امنیتی»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۸): **تفسیر المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عسکرخانی ابومحمد (۱۳۸۳): **رژیم‌های بین‌المللی**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴): **امام خمینی و هویت ملی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹): «امام خمینی و هویت ملی در ایران»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال اول، ش ۴
- لکزایی، نجف (۱۳۸۵): «اصول رهیافت امنیتی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم در قرآن کریم»، سایت اینترنت.
- هولستی، کی‌جی (۱۳۷۳): **مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

- Krahman, Elke (2005); **New threats and New actors in International Security**, NewYork: Palgrave,
- Wolfers, A. (1962); "the role of power and the role of indifference", **World Politics**, 4,1
- Waltz, K. (1979); **Theory of International Politics**, New York: Columbia University Press.
- Mearsheimer, J. (2001); **The Tragedy of Great Power Politics**, Newyork: W.W.Norton.
- Adler, Emanuel (2005); **Communitarian International Relations: The epistemic foundations of International Relations**, NewYork: Routledge.